ببخشیم یا انتقام بگیریم؟

یک قاضی کهنه‌کار جنایی معتقد است که از هر فردی نباید انتقام گرفت

گفت‌وگو
محمدصادق خسروی علیا
روزنامه‌نگار

بی تعارف بزرگ ترین بخشش، گذشـــتن از جان است؛ آن هم وقتی که حـــق داری قانونی، شرعی، عرفی و وجدانی، جان کسی را بگیری، اما از آن بگذری و ببخشی. قصاص حق کسانی است که عزیزشان به قتل رسیده آن هم به عمد. گذشتن از این حق دل بزرگ می خواهد. قاضی محمد سلطان همت‌یار که ۲۵سال پرونده‌های جنایی را دادرسی کرده و با قاتل‌های زیادی، چشم در چشم شده و حکم قصاص صادر کرده، چه دیدگاهی درباره بخشش دارد؟ او که قضاوت بسیاری از پرونده‌های جنجالی و مهم قتل را به سرانجام رسانده، برای ما از بخشش می گوید.

قاضی در یك قدمی قتل!

در صف پمپ‌بنزین بودم و شلوغ بود. یکباره راننده وانتی از همه جلو زد. اعتراض کردم. گفتم من نوبتم را به شما می‌دهم اما از بقیه هم اجازه بگیر بنده خدا. مرد چهارشانه‌ای از وانت پیاده شد. رو به من کرد و گفت: «من قصابم. مثل خیار نصفت می کنم!». یادم آمد به پرونده قتل در پمپ‌بنزین ولیعصر. خودم قضاوتش کردم. ۲مرد سر صف با هم گلاویز شده بودند. هیچ کدام خشم خود را کنترل نکردند. تنها یک ضربه، کار یکی از آنها را ساخته بود. به‌خودم آمدم، اصلا خشمگین نشـــدم. به لطف خدا خودم را کنترل کردم و به خیر گذشت.

«بخشش از بزرگان است و لذتبخش»؛ این را همه می گویند و درست هم است، اما وقتی فردی سر دوراهی میان بخشش و انتقام قرار می گیرد، بهتر است کدام را انتخاب کند که بعدا پشیمان نشود؟

تجربه و تحقیقات نشـــان می‌دهد افرادی که می‌بخشند زندگی بسیار آســـوده‌تری نســـبت به افرادی که انتقام می گیرند پیش‌رو خواهند داشت. انتقام گرفتن برای یک لحظه است و در آنی تمام می‌شود؛ یعنی فرد انتقام گیرنده در همان لحظه‌ای که انتقام می گیرد لذت می‌برد. اما بعد از آن متوجه می‌شود که متأسفانه هیچ تغییری در حالاتش ایجاد نشده است، از اعماق وجودش احساس خواهد کرد این انتقام او را سیراب نکرده که هیچ حتی باعث ناراحتی و عذاب بیشتر او نیز شده است؛ درحالی که بخشش اینطور نیست. لذتش استمرار دارد و تمام‌نشدنی. نتایج بخشش که بهترین آن آرامش است، تا ابد با انسان بخشنده همراه است. هر کسی که جان یک نفر را نجات بدهد مثل آن است که جان همه جامعه را نجات داده است چون وقتی فردی را می‌بخشیم هم خانواده هم اطرافیان و هم جامعه از وجود و «بودن» آن فرد سود می‌برند.

یعنی همینطور هر کسی هر کاری که کرد را ببخشیم؟ اینطور که سنگ روی سنگ بند نمی‌شود!

اظهارنظر در این زمینه بسیار سخت است و پیچیدگی‌های خاص خودش را دارد. درباره بخشش نمی‌توان به‌صورت کلی صحبت کرد. باید هر مـــوردی را جداگانه قضاوت و بررسی کرد. بخشیدن یا نبخشیدن هر دو مستلزم دقت و تحقیق هستند.

از کجا باید بفهمیم که فردی سزاوار بخشش است؟

هر کسی قادر به این تشخیص نیســـت. افرادی که سالم، آگاه و معتقد هســـتند می‌توانند تشـــخیص دهند. این افراد با قلب سلیم همه توجه‌شان به عمق انسانیت است. کسانی که خودشان روشنگر هستند و افکار فاسد ندارند به راحتی می‌توانند تشخیص دهند. در قرآن آمده «یعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِیماهُمْ» افراد مجرم از چهره‌شان معلوم است. ولی این چهره را هر کسی نمی‌تواند تشخیص دهد؛ فقط افراد سلیم می‌توانند سیمای مجرمانه را ببینند. البته باقی هم می‌توانند تصمیم بگیرند. اگر دل‌شان را از کینه و حس انتقام‌جویی خالی کنند آن وقت است که می‌توانند تشخیص دهند.

با این اوصاف از چه کسانی می‌توانیم انتقام بگیریم؟

سعدی می گوید: «ترحم بر پلنگ تیز دندان/ ستمکاری بود بر گوسفندان» این بیت مصداق کامل نکته‌ای است که می‌خواهم درباره بخشش به آن اشاره کنم. باید توجه کرد فردی که قرار است بخشوده شود، درصورت این اتفاق چه نتیجه‌ای به بار خواهد آورد. اگر نتیجه بخشش این باشد که فرد به سمت و سوی انســـانیت، شایستگی و جامعه سوق پیدا کند که به‌جا و نیکوست. اما گاهی نتیجه بخشش فقط زیان است و آسیب؛ یعنی می‌بینیم نه‌تنها بخشش به سود فرد نبوده بلکه به ضرر جامعه و بشریت هم تمام‌شده است.

(القصاص حیات) این سخن خداست. قصاص را برابر می‌داند با زندگی. این سخن به‌معنای این نیست که خداوند رحمان و رحیم با بخشش، نعوذبالله مخالف است؛ این سخن به ما گوشزد می‌کند هر کسی را نمی‌شود و نباید بخشید.

با توجه به اینکه شما ســـال‌ها با قاتلان متعـــددی رو در رو شـــده‌اید و بـــرای آنها حکم صادر کرده‌اید آیا در اینگونه افراد ویژگی مشـــاهده کردید؟ اصلا قاتل‌ها چه شکلی هستند؟

قاتل‌ها شکل و ســـیمای خاصی ندارند. اگر کسی از خدا، ایمان و انســـانیتش غافل شد و نتوانســـت خشم و ترس خود را کنترل کند ممکن است مرتکب هر اشتباهی شود. متأسفانه بیشـــتر پرونده‌های قتل به‌خاطر مشاجره‌های کوچک و معمولی مثل چشـــم در چشم‌شدن، تصادف و ترافیک، در صف ایستادن، فحاشی و... رخ می‌دهد. اینطور نیست که همه قتل‌ها با انگیزه قبلی باشد، بیشتر اتفاقی است و قاتل حتی تصورش را نمی‌کند که در آن موقعیت آدم بکشد. از این‌رو همه ما می‌توانیم یک قاتل باشیم! اگر خشم کورمان کند و انسانیت را نبینیم. ان‌شاءالله از همه ما این اتفاق به دور باشد؛ چراکه خداوند قتل را شدیدا تقبیح شمرده. روایت داریم از پیامبراکرم(ص) که بوی بهشت به مشام کسی که عمدا مرتکب قتل بشود، نمی‌رسد. قبح این عمل بسیار است.

پس به‌زعم شما چطور بخشش در جایی نجات و در جای دیگر فساد و تباهی ایجاد می‌کند؟

در یکی از پرونده‌ها فرد معتادی نوزاد چند ماهه‌اش را خفه کرده بود! ماجرا از این قرار بود که روز جنایت به پدر معتاد جنس نرسیده بود و مادر هم در خانه حضور نداشت. یکباره در غیاب مادر، بچه شیرخواره به گریه می‌افتد و فرد معتاد او را برای همیشه ساکت می‌کند! بالاخره پدر، ولی دم است و نمی‌توان او را قصاص کرد اما با شکایت مادر، پرونده روند خاصی را طی کرد. با توجه به جنایت هولناکی که صورت گرفته بود برای قاتل حبس طولانی مدت درنظر گرفتم. چند سالی مرد معتاد در زندان ماند. یک روز همسر زندانی به دادگاه مراجعه کرد و به من گفت با توجه به اینکه ۲فرزند دیگر دارم و شـــوهرم مواد را برای همیشه کنار گذاشته، تصمیم گرفتم او را ببخشم. گفت می‌خواهم آزادش کنم و شما به من کمک کنید. در بررسی‌ها مشخص شد زندانی واقعا ترک کرده و در نهایت با اصرار همسر، آن مرد از زندان آزاد شد. یک سال بعد از این ماجرا صفحه حوادث روزنامه‌ها پر شد از یک خبر جنجالی. مردی به‌خاطر نوشیدن نوشابه مسموم در یک تالار عروسی فوت شد! ظاهر ماجرا اینطور بود که متوفی نوشابه تاریخ گذشـــته را خورده است. اما بررسی دوربین‌های تالار نشان داد مرد جوانی قبل از این ماجرا در بطری نوشابه را باز کرده و چیزی داخل آن ریخته است. آن مرد دستگیر شد. او داماد مقتول بود! مرد طماع با سیانور به‌خاطر ارث و میراث، پدرزنش را کشته بود. مقتول کسی نبود جز همان مرد معتادی که بچه شیرخواره‌اش را خفه کرده بود. آن مرد این بار پدر همان زنی را کشته بود که او را باور کرده و برای آزادی‌اش به هر دری زده بود. این نمونه‌ای برای بخشـــیدن فردی نالایق است. نمی‌خواهم بگویم که به‌صورت مطلق این اتفـــاق رخ می‌دهد. البته همیشه اینطور نیست. ممکن است فردی براثر اکتساب، تحصیل، تربیت و... به زندگی برگردد و برای زندگی نیکو شایستگی پیدا کند، اما همانطور که گفتم باید درباره آدم‌ها تحقیق کرد و به درستی تصمیم گرفت.

بخشـــش به‌جا را هم مصداقی برایمان توضیح می‌دهید.

راننده لودری در نیمه‌شـــبی در حال خاکبرداری بود. در محلی که او، آن ساعت مشـــغول به‌کار بود مردم سکونت داشتند و در حال اســـتراحت بودند. در آن تاریکی شب چند مرد عصبانی که بی‌خواب شده بودند به سمت راننده و پسر جوانش حمله بردند. آن جوان که دانشجویی سر به راه بود از ترس و برای دفاع از پدرش، چاقوی میوه‌خوری را در بدن یکی از مردان خشمگین فرو برد و مرد میانسال متأسفانه چند دقیقه بعد از این ماجرا از شدت خونریزی فوت کرد. جوان دانشجو آن شـــب قاتل شد. این پرونده قتل را بررسی کردم. آن جوان باسواد بود و بسیار احساس پشیمانی می‌کرد. او از روی ترس بی‌آنکه از نتیجه عملش مطلع باشـــد این گناه بزرگ را مرتکب شده بود. واقعا آن جوان لایق بخشش بود، بعد از ۲سال خدا را شکر بخشیده شد. پس از آزادی ادامه تحصیل داد و فارغ‌التحصیل شد. آن جوان حالا در خدمت جامعه، خانواده و بشریت است. اگر این جوان از جامعه حذف می‌شد واقعا خانواده‌اش آسیب می‌دید و جامعه یک جوان و یک نیروی کار شایسته را از دست می‌داد.

روایت‌هایی از مردانی که تا پای چوبه دار رفته و وحشت قصاص را چشیده‌اند اما پرونده‌شان جور دیگری ورق خورده است

سلام زندگی

می‌خواستم قبل از اینکه اعدام‌ام کنند، خودم را بکشم

«استرس داشتم ولی حساب کن چی؟ امید داشتم ولی آخرش هم به‌خودم می‌گفتم یا می‌میرم، یا زنده می‌مونم، امید به خدا. آن موقع ســـربازهای زندان می‌آمدند می‌گفتند امید داشته باش. بعد دکترها آمدند و قرص آرام‌کننده دادند تا بخورم. ترس داشتم ولی مسئله‌ای بود، من در زندان ۸ بار خودکشی کردم. ولی هر دفعه نمی‌شد.»؛ این روایت مرد محکوم به قصاص است که ۲بار تا یک قدمی مرگ رفته بود. او ۱۸سال نداشت که در یک دعوا، دوستش را با چاقو کشـــت؛ بعد خودش را به زندان معرفی کرد، هفت‌سال حبس کشید و ۲ بار تا پای چوبه دار رفت و برگشت. او می‌گوید: «هربار یک اتفاقی می‌افتاد که نمی‌شد بمیرم؛ مثلا دفعه دوم که خودم را دار زده بودم یکی از رفقایم که از همان اول با هم بودیم، نجاتم داد. او همیشـــه دقیقه ۹۰ من را نجات می‌داد و بعد من را می‌بردند بیمارستان و دوباره برمی‌گشتم. از زندگی خسته شده بودم. می‌دیدم که چقدر پدر و مادرم اذیت می‌شوند، پول هم نداشتند که دیه را بپردازند. همه اینها به من فشـــار می‌آورد و دلم می‌خواست قبل اینکه من را اعدام کنند، خودم را بکشم. دفعه اول که رفتم پای دار، با خودم فکر می‌کردم ۳۰درصد احتمال دارد اعدام شـــوم و ۷۰درصد نجات پیدا می‌کنم. دفعه دوم اما این درصد برعکس بود. من آن زمان آیت‌الکرســـی خواندم و منتظر بودم هر آن مرگ بیاید. از خدا می‌خواستم که به من وقت بدهد تا جبران کنم. از او مهلت می‌خواستم. من قبل از اینکه بیفتم زندان، خدا را می‌شناختم ولی در این ۷سال، خدا را پیدا کردم. آن موقع هیچ‌کس حالش خوب نبود، نه سربازها و نه حتی خود شاکی. بعد یکی داد زد که دستبند و پابندش را باز کنید و بیاوریدش پایین. دفعه اول که من را برای اعدام برده بودند، بچه‌ها مطمئن بودند که برمی‌گردم ولی دفعه دوم که برگشتم، بچه‌ها برایم ختم گرفته بودند. چون تا ساعت ۲ طول کشید، امیدشان را از دست داده بودند و فکر می‌کردند اعدام شده‌ام. وقتی برگشتم دیدم پارچه‌های مشکی برایم زده‌اند. وقتی رسیدم داخل سالن همه من را بغل گرفتند و گریـــه کردند، می‌گفتند فکر کردیم مرده‌ای. به‌خاطر عوارض زندان و ۲ بار چوبه اعدام، هرچند وقت یک‌بار حالم بد می‌شود و برای اینکه ســـر بقیه بلایی نیاورم، خودم را می‌زنم.»

نجات از چوبه دار بعد از ۱۳سال انتظار

ســـنت نذری‌دادن در روز ۲۸ماه صفر در خانواده محمد از سال‌ها قبل مرسوم بود. اوایل اردیبهشت ســـال ۱۳۸۳ هم روزی بود که خانواده محمد باید نذری‌شـــان را در محله‌ای از رباط کریم که از ۵۰سال قبل در آن ساکن بودند، ادا می‌کردند. شله‌زرد روی اجاق در حال قل‌زدن بود که محمد مثل هر روز راهی باشگاه شد. موقع برگشت از باشگاه یکی از دوســـتانش را دید، او چاقویی از جیبش درآورد و به محمد گفت که چاقو را با خودش به خانه‌شـــان ببرد و او غروب برای پس گرفتن چاقو به خانه‌شـــان می‌آید. کمی آن طرف‌تر بین دوگروه از بچه‌های محله هم دعوا شد و از محمد کمک خواستند. محمد هم به رسم بچه محلی به کمک دوستانش رفت تا آنها را از هم سوا کند. اما ناگهان چند نفری روی سر محمد ریختند و او را کتک زدند. محمد اما یادش نمی‌آید که در دعوا کسی را کتک زده باشد، در کلانتری دوستان محمد ادعا کرده بودند که او مقتول را با چاقو زد و همین‌ها باعث شد تا حکم قصاص برای او صادر شود. سه‌شنبه ۲۸فروردین سال ۱۳۸۶، ۳سال بعد از دعوا بود که فهمید که قرار است حکم قصاص برایش اجرا شود و از زندان رجایی‌شهر به اوین منتقل شد. خدمتکاری که در قسمت انفرادی زندان کار می‌کرد قبل از بردن محمد به سمت چوبه دار به او می‌گوید ذکری را بلد است که به هر کس گفته و آن را خوانده تا دم چوبه دار رفته و برگشـــته، آن ذکر ۱۳۳بار گفتن ذکر حضرت اباالفضل(ع) بود. محمد برای محکم‌کاری این ذکر را دو تا ۱۳۳بار خواند و روانه محل اعدام شد. لحظات سختی برای او بوده: «به خدا گفتم خدایا من که گناهکارم، یک‌بار دیگر فرصت بده خورشید را ببینم. یک‌بار دیگر فرصت بده روی زمین قدم بزنم، جبران کنم. یک‌بار دیگر اجازه بده نفس بکشم. وقتی می‌خواستم از در بیرون بروم، آن خدمتکار آمد و گفت: تو می‌ری و برمی‌گردی، می‌گی نه، بیا شرط ببندیم. این خط، این نشان.» مأمور اجرای حکم را می‌بیند که به سمتش می‌آید و به سربازها می‌گوید: بفرستینش بالا، شاید شاکی‌هایش ببینند و رضایت دادند. محمد از آن روز اینطور یاد می‌کند: «کمی گذشت و دیدم سربازی می‌دود و داد می‌زند که بیا پایین، شاکی‌ات یک‌ماه وقت داده. تا حرف سرباز را شنیدم، از سکو پایین آمدم و سریع به آسمان نگاه کردم. یادم می‌آید نخستین جمله‌ای که گفتم این بود: «سلام زندگی.» بعد از آن هم ۳بار همین داستان‌ها برای محمد تکرار شد و از شاکی پرونده‌اش وقت گرفت. میانه سال ۱۳۹۶ روز آزادی محمد بعد از ۱۳ســـال حبس بود. شاکیان رضایت دادند و زندان برای همیشه تمام شد.

حیات دوباره

«خیلی سخت بود.»؛ این نخســـتین جمله‌ای است که اعدامی زنده‌شده بجنوردی بعد از پیداکردن قدرت تکلم آن را بیان کرده است. چند سال قبل رسانه‌ها از زنده‌شدن مرد اعدامی نوشتند که پس از اجرای مراحل مجازات و احراز مرگ، به خواست خدا زنده شد. علیرضا (اعدامی زنده‌شده) قاچاقچی محکوم به اعدامی است که سال‌ها قبل به‌دلیل قاچاق یک کیلو شیشه بازداشت و در آن مدت و پس از رسیدگی قضایی و با توجه به قانون جدید مبارزه با موادمخدر به اعدام محکوم شده بود، ســـاعاتی پس از اجرای حکم و البته تأیید پزشـــکی قانونی بر مرگ او، زنده شـــد. بعد از انتقال علیرضا به سردخانه، علائم حیاتی او برگشت و احیا صورت گرفت اما به‌خاطر کمبود اکسیژن دچار آسیب مغزی جدی شد و حافظه درازمدتش دچار اختلال شـــد. تقریبا ۲ماه در کما بود و بعد از بهبودی نســـبی دوباره به زندان بازگشت. ورود دوباره او به زنـــدان، او و خانواده‌اش را با این بیـــم و نگرانی مواجه کرد که سرنوشت او چه می‌شـــود، آزادی یا اعدام دوباره؟ اما ۴ماه بعد از اجرای حکم اعدام هم به‌خاطر ولادت حضرت رسول اکرم(ص) در سال ۱۳۹۶ حکمش به حبس ابد تبدیل شد. آنطور که خانواده علیرضا نقل کرده‌اند او فقط خدا را شـــکر می‌کـــرد و می‌گفت: «چیزی یادم نمی‌آد. ولی خیلی سخت بود، خدا را شکر، گذشت.»

گزارش
مهدیه تقوی
روزنامه‌نگار

بخشش و قصاص، دو روی یک ســـکه‌اند؛ در یکی زندگی دوباره به فرد بخشیده می‌شود و در دیگری جان فردی در مقابل جانی که به ناحق گرفته، تمام می‌شود. در یک طرف خانواده‌ای منتظرند تا قاتل عزیزشان به دار مجازات آویخته شود و در سوی دیگر خانواده‌ای در حال التماسند تا رضایت بگیرند بلکه بتوانند با بخشش خانواده قاتل، رخت سیاه عزا به تن نکنند. خانواده‌هایی که شاید دست روزگار می‌توانست جایشان را با هم عوض کند. چنانچه در قرآن کریم تأکید شده اگر محکوم را ببخشید، ما این عفو را کفاره گناهان شما قرار می‌دهیم. با وجود این نمی‌توان خانواده‌های مقتول را به این دلیل که راضی به بخشش قاتل نیستند مورد نکوهش قرار داد؛ چراکه این حقی است که خداوند در اختیار آنها قرار داده است. در این میان مردمانی هستند که حتی چندین بار تا پای چوبه دار رفته‌اند اما در لحظه آخر فرصت زندگی از سوی خانواده مقتول به آنها داده شده است.

فیلم‌شناسی

بخشش روی پرده نقره‌ای

مجرم در یک قدمی چوبه‌دار و امیدوار به بخشش از سوی اولیای دم، در سال‌های مختلف دستمایه آثار فیلمسازان ایرانی بسیاری در دوره‌های مختلف قرار گرفته و هر یک از آنها از زاویه دید متفاوت به موضوع بخشش پرداخته‌اند. اما نقطه اشتراک همگی تلاش برای یادآوری مهربانی و بخشش به مخاطب است و کوشیده‌اند بگویند گاهی با بزرگواری هم می‌توان به یک انسان زندگی دوباره بخشید.

فیلم
جان دار
شرط عجیب برای بخشش
تولید: ۱۳۹۷ | کارگردان: حسین امیری

خلاصه داستان
این فیلم سینمایی درباره یک مرد عاشق پیشه‌ای است که عاشق دختر جوانی به نام اسماست. در شب عروسی اسما، اتفاقی رخ می‌دهد که برادر او در یک درگیری برادر یاسر (خواستگار عاشق پیشه و سابق اسما) را به قتل می‌رساند. یاسر که از معشوق، سال‌ها جواب نه شنیده برای رضایت دادن و گذشتن از خون برادرش شرط عجیبی می‌گذارد. این فیلم در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فیلم فجر نامزد بهترین فیلم در بخش نگاه نو شده بود.

فیلم
یلدا
شبی برای بخشش
تولید: ۱۳۹۷ | کارگردان: مسعود بخشی

خلاصه داستان
زن جوان شوهرش را می‌کشد و محکوم به مرگ می‌شود. او را شب یلدا به استودیوی یک برنامه زنده تلویزیونی می‌برند تا تنها فرزند مقتول (دخترش)، او را ببخشد. در این میان اتفاقاتی در پشت صحنه و هنگام ضبط این برنامه تلویزیونی رخ می‌دهد که هر دو زن را برای تصمیم‌گیری مردد می‌کند. نخستین نمایش جهانی «یلدا» در ۲۶ ژانویه ۲۰۲۰ در جشنواره فیلم ساندنس بود و در ادامه نیز در کشورهای، فرانسه، سوئیس، آلمان، جمهوری چک، کانادا، اوکراین، فنلاند، کره‌جنوبی، بلغارستان، صربستان، ترکیه و مالزی به نمایش درآمد.

فیلم
چهارشنبه
کشمکش به وقت چهارشنبه
تولید: ۱۳۹۴ | کارگردان: سروش محمدزاده

خلاصه داستان
در روز جشن ازدواج زوج جوان، قتلی رخ می‌دهد و یکی از اقوام داماد باعث مرگ پدر عروس می‌شود. ۴فرزند مقتول پس از ۲سال دوندگی قضایی و پافشاری سرانجام موفق می‌شوند حکم قصاص قاتل را بگیرند و این حکم قرار است روز چهارشنبه اجرا شود. اما چند روز مانده به اجرای حکم، خانواده مقتول ناگهان بر سر دوراهی قرار می‌گیرند، بخشش یا قصاص. همین موضوع باعث اختلاف میان آنها می‌شود. فیلم «چهارشنبه» در بخش هنر و تجربه سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر به‌شدت مورد توجه و تحسین منتقدان قرار گرفت.

فیلم
دهلیز
معلم قاتل
تولید: ۱۳۹۲ | کارگردان: بهروز شعیبی

خلاصه داستان
معلمی است که غیرعمد مرتکب قتل می‌شود. او قاتل است و امیدوار به بخشش اما خواهر دوقلوی مقتول به هیچ عنوان حاضر نیست رضایت دهد. «دهلیز» فیلمی است که به خوبی توانسته انسان‌های معمولی را به تصویر بکشد که هیچ‌گاه حتی تصورش را نمی‌کردند روزی برچسب قاتل به آنها زده شود. سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده این فیلم سیمرغ بهترین فیلم اول سی‌و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم فجر را دریافت کرد.

فیلم
انتهای خیابان هشتم
در جست‌وجوی دیه
تولید: ۱۳۸۹ | کارگردان: علیرضا امینی

خلاصه داستان
این فیلم داستان خواهری است که برای فراهم کردن دیه به هر دری می‌زند. او حتی حاضر است کلیه‌اش را بفروشد تا برادرش بالای چوبه دار نرود. خانه و ماشین‌شـــان را می‌فروشد و هر کاری می‌کند تا زندگی برادرش از بین نرود و بتواند او را یک‌بار دیگر ببیند.

فیلم
شهرزیبا
شاهکاری سینمایی
تولید: ۱۳۸۲ | کارگردان: اصغر فرهادی

خلاصه داستان
یکی از فیلم‌های فاخری است که ماجرای بخشش را برای مخاطب به تصویر کشیده است. قتلی که بدون هدف و انگیزه انجام شده و پسری ناامیدانه در انتظار است تا ۱۸ سالگی‌اش برسد. او قرار است بعد از فوت کردن شمع تولدش بالای دار برود. قاتل دوستی دارد که به هر دری می‌زند تا او را نجات بدهد. این دوست از خودگذشته برای جلب رضایت ولی‌دم هر کاری را انجام می‌دهد.